

# زبان قانون



تأملی در رابطه زبان و قانون با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی

فاروق خضری



زبان قانون



# زبان قانون

تأملی در رابطه‌ی زبان و قانون  
با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی

■ فاروق خضری ■



نقد فرهنگ

۱۴۰۱

■ **سرشناسه:** خضری، فاروق، ۱۳۶۹- ■ **عنوان و نام پدیدآور:** زبان قانون: تأملی در رابطه‌ی زبان و قانون با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی / نویسنده فاروق خضری. ■ **مشخصات نشر:** تهران: نقد فرهنگ، ۱۴۰۱.  
 ■ **مشخصات ظاهری:** ۲۰۹ ص: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م. ■ **شابک:** ۵-۳۲-۷۹۱۹-۶۲۲-۹۷۸ ■ **وضعیت فهرست‌نویسی:** فیپا ■ **موضوع:** حقوق-زبان؛ حقوق-تفسیر و استنباط؛ زبان‌شناسی قانونی  
 ■ **رده‌بندی کنگره:** K۲۱۳ ■ **رده‌بندی دیویی:** ۳۴۰/۱۴ ■ **شماره کتابشناسی ملی:** ۸۸۸۹۲۷۵



نقد فرهنگ

■ **نام کتاب:** زبان قانون؛ تأملی در رابطه‌ی زبان و قانون با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی

■ **نویسنده:** فاروق خضری

■ **نوبت چاپ:** اول ■ **سال انتشار:** ۱۴۰۱

■ **تیراژ:** ۵۰۰ نسخه ■ **چاپخانه:** چاپ گیلان

■ **شابک:** ۵-۳۲-۷۹۱۹-۶۲۲-۹۷۸

■ **قیمت:** ۹۰,۰۰۰ تومان

📷 naqdefarhangpub

✉ @naqdefarhangpub

🌐 www.naqdefarhang.com

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳، تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸

تلفن مراکز پخش: ۶۶۴۸۶۵۳۵، ۶۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۶۰۰۹۹

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

تقدیم به پدر و مادر بزرگوارم

و همه‌ی کسانی که زندگی را برایم قابل تحمل ساخته‌اند.



## فهرست

|         |                             |
|---------|-----------------------------|
| ۱۱..... | سخنی با خواننده             |
| ۱۳..... | مقدمه                       |
| ۱۹..... | مفهوم‌شناسی و تاریخچه       |
| ۲۰..... | فلسفه و کارکرد قانون        |
| ۲۱..... | چیستی (فلسفه‌ی) قانون       |
| ۳۱..... | ویژگی‌های قانون             |
| ۳۲..... | ویژگی‌های ذاتی              |
| ۳۴..... | ویژگی‌های عرضی              |
| ۳۶..... | کارایی و کیفیت قانون        |
| ۴۱..... | قانون‌گذاری؛ اصول و فنون    |
| ۴۷..... | فرایند و کارکرد قانون‌گذاری |
| ۵۱..... | مرجع قانون‌گذاری            |
| ۵۵..... | زبان‌شناسی حقوقی (قانونی)   |
| ۵۸..... | اهمیت و مفهوم زبان          |
| ۶۵..... | رابطه‌ی زبان و حقوق         |
| ۷۱..... | تاریخچه‌ی زبان‌شناسی حقوقی  |



|                                                       |     |
|-------------------------------------------------------|-----|
| تاریخچه‌ی تحولات زبان حقوقی در ایران                  | ۷۷  |
| شاخه‌های زبان‌شناسی حقوقی                             | ۸۰  |
| توصیف و تحلیل جایگاه زبان و قانون در نظام حقوقی       | ۸۳  |
| جایگاه قانون و قانون‌گذاری در نظام حقوقی              | ۸۶  |
| تأثیرات قوانین بر نظام حقوقی                          | ۸۹  |
| اهمیت نظام قانون‌گذاری                                | ۹۲  |
| جایگاه زبان در نظام حقوقی                             | ۹۷  |
| کاربرد زبان در انتقال مفاهیم حقوقی                    | ۱۰۳ |
| قانون‌گذاری و ارتباط آن با زبان‌شناسی حقوقی           | ۱۰۹ |
| زبان قانون به مثابه قدرت قانون                        | ۱۱۶ |
| معضلات نظام قانون‌گذاری در رابطه با زبان قانون        | ۱۲۲ |
| کاربرد دانش زبان‌شناسی در ساختار قانون                | ۱۲۶ |
| شناسایی، توصیف و تحلیل معیارها و کاستی‌های زبان قانون | ۱۳۳ |
| معیارهای زبان مطلوب در قانون‌گذاری                    | ۱۳۶ |
| اهمیت و ویژگی‌های زبان قانون                          | ۱۴۱ |
| موانع و محدودیت‌های زبان قانون                        | ۱۴۸ |
| ابهام و انواع آن                                      | ۱۴۹ |
| ابهام موضوعی (قواعد حقوقی) و ابهام حکمی (وقایع حقوقی) | ۱۵۱ |
| ابهام طبیعی و ابهام غیرطبیعی                          | ۱۵۴ |
| ابهام واژگانی و ابهام ساختاری                         | ۱۵۵ |
| ابهام                                                 | ۱۵۸ |
| إجمال                                                 | ۱۶۰ |
| عدم انسجام                                            | ۱۶۱ |
| ناخوانا بودن و پیچیدگی                                | ۱۶۲ |
| تفسیرپذیری                                            | ۱۶۳ |
| تعارض، تناقض و ارجاع                                  | ۱۶۵ |
| استفاده از ظرفیت‌های زبانی در نگارش قانون             | ۱۶۶ |

|     |                                                      |
|-----|------------------------------------------------------|
| ۱۶۸ | ..... ضرورت ابهام زدایی و اصلاح قوانین و پیش نویس ها |
| ۱۷۴ | ..... زبان ساده‌ی حقوقی                              |
| ۱۷۸ | ..... کاستی‌های زبان قانون در نظام حقوقی ایران       |
| ۱۸۰ | ..... شیوه‌های نادرست نگارش قانون                    |
| ۱۸۷ | ..... عدم شناخت قانون نگاران از ماهیت و کاربرد زبان  |
| ۱۹۱ | ..... فهرست منابع                                    |
| ۱۹۱ | ..... الف) فارسی                                     |
| ۱۹۱ | ..... کتاب‌ها                                        |
| ۱۹۹ | ..... مقاله‌ها                                       |
| ۲۰۵ | ..... پایان نامه‌ها                                  |
| ۲۰۵ | ..... جزوه‌ها                                        |
| ۲۰۶ | ..... قوانین و آیین نامه‌ها                          |
| ۲۰۷ | ..... سایت‌ها                                        |
| ۲۰۸ | ..... ب) انگلیسی                                     |
| ۲۰۹ | ..... ج) فرانسه                                      |



## سخنی با خواننده

زمانی که دانشجوی کارشناسی رشته‌ی حقوق بودم، همواره به زبان مبهم و سخت حقوقی انتقاد داشتم. هر کتابی که مطالعه می‌کردم زبانی دشوار داشت و می‌بایست همیشه به یک ترمینولوژی و فرهنگ حقوقی مراجعه کنم تا از معنای واژه‌ها سردر بیاورم. در ترم‌های آخر، خودم شروع به فراهم کردن یک واژه‌نامه کردم تا همیشه بتوانم کلمات پُر تکرار را مرور کنم؛ جالب بود که از یک کتاب حدود ۵۰۸ کلمه استخراج کردم که معنای آن‌ها را اصلاً نمی‌دانستم. این مشغله و دردهای دانشجوی حقوق در باب زبان حقوق بود. اما همیشه کسانی بودند و هنوز هم هستند که دادنامه و قانون در دست به ما مراجعه می‌کنند تا آن‌ها را از نتیجه‌ی رأی یا باید و نبایدهای قانون مطلع کنیم. به مرور و با مطالعه دریافتم که زبان نامفهوم و مبهم قانون، علاوه بر اینکه موجب سردرگمی شهروندان می‌شود، هزینه‌هایی نیز برای نظام حقوقی به بار می‌آورد. بنابراین، پرسش‌هایی در ذهنم شکل گرفتند که مخاطب قانون چه کسانی هستند؟ چرا باید قوانین با زبانی به نگارش درآیند که نتوان به آسانی آن‌ها را فهمید و در نتیجه جایی برای تفسیرهای زیاد فراهم کرده باشد؟ به نظر نمی‌رسد قانون فقط برای تحصیل‌کرده‌ها یا حقوق‌دانان نوشته شود. هر روزه شهروندان با متون و مسائلی سروکار دارند که محتوای آن‌ها را درک نمی‌کنند، اما تأثیر بسیاری در روابط و زندگی آن‌ها دارند؛ از قراردادهای بانکی گرفته تا اسناد دفترخانه‌ها، سند ازدواج و دادنامه‌ها. بنابراین، وجود پژوهشی در جهت آشنایی با زبان و قانون و نیز ارائه‌ی راهکارهایی برای برون‌رفت از معضلات نظام قانون‌گذاری

در رابطه با زبان قانون را لازم دانستم. در این کتاب سعی شده است به تحلیل و توصیف زبان در قانون پرداخته شود و راهکارهایی به منظور رفع ابهام و ساده سازی زبان قانون ارائه شود تا به زبانی مطلوب در قانون گذاری دست یابیم.

به سرانجام رساندن و چاپ این پژوهش را مدیون بزرگواران، آقای دکتر فردوس آقاگل زاده، آقای دکتر حسن وکیلان، آقای دکتر مهدی هداوند، خانواده ی عزیزم، آقای اسماعیل خضری، آقای عزیزرحمانی، آقای ایوب خضری، خانم زینب سرکانی، آقای فرهاد زرشکی، آقای هیوا خضری، آقای امید محمودی و آقای امیر خضری هستم. همچنین از جناب آقای دکتر بیژن عبدالکریمی، مدیر محترم انتشارات نقد فرهنگ و همه ی دست اندکاران این نشر از بابت قبول زحمت چاپ و انتشار این کتاب سپاسگزارم. به یقین این اثر خالی از ضعف و کاستی نیست، از این رو، از خوانندگان بزرگوار تقاضا دارم مرا از نقدها و نظرات خود بهره مند سازند.

فاروق خضری

Faroughkhezri@yahoo.com

## مقدمه

اهمیت زبان<sup>۱</sup> در زندگی روزمره برای بیان اندیشه‌ها و احساسات انسان بر هیچ کس پوشیده نیست. زبان، ابزاری برای ارتباط است که از طریق نشانه‌ها<sup>۲</sup> به کار می‌رود. به دیگر معنا، زبان وسیله‌ای است که ما برای انتقال خواسته‌ها و مفاهیم به دیگران از آن استفاده می‌کنیم. به کاربردن این زبان باید به گونه‌ای باشد که طرفین، منظور یکدیگر را فهم کنند؛ چرا که اگر زبان نامفهوم باشد، زندگی بشری به دشواری ادامه خواهد یافت. به تعبیری، زبان شکل‌دهنده‌ی روابط کاربران و مخاطبان است. اما استفاده از زبان، به‌ویژه در نوشتار، نیاز به اصول و قواعدی دارد. برای شناسایی و کاربرد زبان، دانشی به نام زبان‌شناسی پایه‌گذاری شده است. زبان‌شناسی<sup>۳</sup> مطالعه‌ی علمی زبان است که به لحاظ نظری به چستی زبان در ابعاد گوناگون می‌پردازد و هدف کاربردی‌اش بررسی کارایی و شیوه‌ی ابراز زبان است. دانش زبان‌شناسی در ارتباطات و اهمیت بیش از اندازه‌ی آن، رویکردی میان‌رشته‌ای<sup>۴</sup> یافته است و دانش‌های متعددی را از وجود خود بهره‌مند می‌سازد، مانند جامعه‌شناسی زبان، زبان‌شناسی زبان، زبان‌شناسی رایانه و زبان‌شناسی حقوقی. این ارتباط باعث تولد شاخه‌ی جدیدی از زبان‌شناسی به نام زبان‌شناسی کاربردی<sup>۵</sup> شده است. هدف اصلی زبان‌شناسی کاربردی این است که به کاربرد

---

1. Language.

2. Signs.

3. Linguistics.

4. Inter-disciplinary.

5. Applied Linguistics.

زبان در زندگی و یا در دیگر دانش‌ها می‌پردازد و درصدد آموزش یا حل مشکلاتی از جامعه برمی‌آید که یک طرف آن زبان و طرف دیگرش مسئله‌ی اجتماعی و فردی است.

یکی از شاخه‌های نوین زبان‌شناسی کاربردی، زبان‌شناسی حقوقی<sup>۱</sup> است. زبان‌شناسی حقوقی رویکردی میان‌رشته‌ای و کاربردش تعامل و ارتباط میان زبان‌شناسی و حقوق است. هدف این گرایش، بررسی پیچیدگی‌ها<sup>۲</sup> و دشواری‌های زبانی در قوانین و متون حقوقی است و در جهت رفع این پیچیدگی و دشواری‌ها نیز می‌کوشد تا به پیکره‌ی عدالت و حقوق مردم بیفزاید. زبان‌شناسی حقوقی را علمی قلمداد کرده‌اند که «ناظر بر عملکرد تمامی شاخه‌های زبان‌شناسی از قبیل، کاربردشناسی<sup>۳</sup>، کنش‌های گفتار<sup>۴</sup>، آواشناسی در تشخیص هویت<sup>۵</sup>، فنون نگارش متون حقوقی<sup>۶</sup>، معناشناسی<sup>۷</sup>، تجزیه و تحلیل کلام (گفتمان) و متن<sup>۸</sup> بر اهداف مرتبط با قانون در محاکم قضایی<sup>۹</sup> است» (آقاگل زاده، ۱۳۹۱: ۲۵). همچنین در زبان‌شناسی حقوقی حوزه‌ها و زیرشاخه‌هایی وجود دارند که می‌توان از تمامی آن‌ها برای فهم زبان حقوق کمک گرفت، اما آنچه بیشتر به پژوهش ما مربوط می‌شود موضوع زبان قانون<sup>۱۰</sup> است.

قانون<sup>۱۱</sup> از مهم‌ترین منابع حقوق محسوب می‌شود. وضع قانون برای هر کشوری در جهت دستیابی به ثبات<sup>۱۲</sup> و شفافیت<sup>۱۳</sup>، امری اجتناب‌ناپذیر است. «قانون به

---

1 . Forensic Linguistics.

2 . Complexity.

3 . Pragmatics.

4 . Speech Acts.

5 . Identification Phonetics.

6 . Law Text Writing Skills.

7 . Semantics.

8 . Discourse Analysis.

9 . Judiciary Courts.

10 . Language of Law.

11 . Law.

12 . Constancy.

13 . Clarity.

مثابه قراردادی اجتماعی<sup>۱</sup>، ابزاری است که قانون‌گذار<sup>۲</sup> با استفاده از آن در جهت تثبیت نوع خاصی از رفتار شهروندان یا تغییر رفتار آنان به نوع خاصی کمک می‌گیرد» (اسلامی، ۱۳۹۷: ۲۸). قانون‌گذاری<sup>۳</sup> در کشور ما اهمیت خاصی دارد؛ چرا که اتکای نظام حقوقی<sup>۴</sup> کشور بیش از همه بر قوانین است.<sup>۵</sup> پس قانون‌گذار برای بیان و انتقال قوانین از زبان کمک می‌گیرد. به عبارت دیگر، قانون‌گذار مقصود خود را در قالب کلمات بیان می‌کند و این کلمات راه ارتباطی ما به معنای قانون محسوب می‌شوند. در این زمینه، زبان ابزاری است برای وضع، تبیین و تفسیر قانون<sup>۶</sup> (پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). به همین جهت کیفیت قانون<sup>۷</sup> از اهمیت زیادی برخوردار است. بخشی از کیفیت قوانین در رابطه با نگارش قوانین نمود می‌یابد که در آن باید به دنبال وضع قواعد یا واژگان شفاف و ساده و به دور از ابهام<sup>۸</sup> بود.

بدین‌سان، قانون و زبان رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند و قوانین از زبان نشأت می‌گیرند. اگر زبان نباشد، قانونی هم وجود نخواهد داشت. در واقع، زبان حقوقی ابزار ارتباط در حوزه‌ی حقوق است (ویسی و عباس‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۱۴). قابل فهم بودن قانون برای عامه‌ی مردم، از کارویژه‌های قانون‌گذاری است. صراحت و شفافیت در قانون یکی از اصول نگارش قوانین محسوب می‌شوند. ساده‌سازی زبان قانون را باید به کمک زبان‌شناسی حقوقی به سرانجام رساند. ساده‌سازی باید به نحوی انجام گیرد که متن قانون، هم برای حقوقدانان و هم غیرحقوقدانان قابل فهم باشد. هرگاه که قانون با ابهام مواجه شود یا حکم مسئله‌ای را به صورت گنگ و تفسیربردار مطرح کرده باشد، باید به دنبال تفسیر قانون یا معنای قانون باشیم. زبان

---

1. Social contract.

2. Legislator.

3. Legislation.

4. Legal system.

۵. سخنرانی حسن وکیلان در سی و پنجمین نشست از مجموعه یکشنبه‌های حقوق‌شناسی و رونمایی از کتاب «قانون‌گذاری: نظر به ها، اصول و مفاهیم» به تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۹۷ در خانه‌ی اندیشمندان علوم انسانی.

6. Interpretation of the law.

7. Law quality.

8. Vagueness.



قانون و حقوق همواره برای غیر حقوقدانان و نیز برای عامه‌ی مردم غیر قابل درک بوده است و همواره آن را زبانی فنی و نامفهوم تلقی کرده‌اند. امروزه حتی در متون و دانش‌های دیگر نیز مغلق نویسی را ناشی از عدم درک و فهم تلقی می‌کنند که باعث اختلال در یادگیری می‌شود. آن گاه که زبان دچار آشفتگی می‌شود، همه چیز را دچار آفت می‌کند.

قانون نویسی، فنی‌ترین کار قانون‌گذار است (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۸). قانون‌گذار باید با استفاده از قواعد زبانی، در حد فهم مردم جامعه‌اش قانون را بنویسد. حیطه قانون نویسی نمی‌توان به زبان تفریح و تغنن و پیچیده‌گویی سخن گفت. همان‌گونه که منتسکیو<sup>۱</sup> (۱۳۹۱: ۹۴۴) هم اشاره کرده است: «انشای قانون باید ساده باشد و شخص برای دریافتن معانی آن نیازی به تفکر نداشته باشد ... مضامین قانون باید به گونه‌ای نوشته شود که همه از آن یک مطلب را بفهمند ... نباید عبارات و مضامینی را به کار برد که جنبه‌ی ابهام<sup>۲</sup> داشته باشد».

یکی از معضلات نظام قانون‌گذاری ایران که به نظام حقوقی هم آسیب می‌رساند، بی‌توجهی به اصول و فنون قانون‌گذاری<sup>۳</sup> است. از جمله کارکردهای مهم قانون‌گذاری، نگارش قانون یا قانون نویسی است و از شاخه‌های نگارش قانون نیز شفافیت و صراحت بیان و قابل فهم بودن قانون است. قانون‌نگاری نباید بدون توجه به پیامدهای آن در صورت اجرا، قابلیت انتشار داشته باشد. ابهام در قانون هنگامی پدید می‌آید که از یک عبارت، برداشت‌ها و مفاهیم متفاوتی اراده شود. باید عواملی که درک مفهوم قانون را مشکل می‌سازند، شناسایی کرد. به نظر می‌رسد عوامل ایجاد نامفهومی زبان قانون، استفاده‌ی نامناسب از راهبردها و ابزارهای زبان‌شناختی باشد. باید از مهارت‌های زبان‌شناسان در زمان نگارش قانون، برای منظورشناسی یا کاربردشناسی زبان<sup>۴</sup> و ساده‌سازی متون استفاده کرد تا درک قانون برای همگان آسان‌تر شود.

1. Montesquieu.

2. Vagueness.

3. Principles and Techniques of Legislation.

4. Pragmatics.

در نتیجه، تلاش قانون، تنظیم رفتار انسان با استفاده از واژه‌هاست. اگر واژگان و به طور عام زبان قانون ابهام‌آمیز باشد، جامعه دچار بی‌نظمی<sup>۲</sup> می‌شود. قانونی مبهم است که مردم از محدوده‌ی شمول آن اطمینانی نداشته باشند؛ یعنی در ابهام، مفهومی وجود دارد در حالی‌که مرزهای روشن نیست. ابهام معمولاً از ذکر نکردن جزئیات ضروری در متن و اکتفا به کلیات پدید می‌آید (راسخ و مرکزالمیری، ۱۳۹۱: ۷۰). بنابراین، ابهام در زبان قانون موجب ابهام و تشتت در کاربردهای عملی قانون می‌شود که در نتیجه‌ی آن این دور باعث ابهام در رفتارها و پیش‌بینی‌ناپذیری<sup>۳</sup> آن‌ها می‌شود. از این آشفتگی حاصلی جز بی‌نظمی، بی‌ثباتی و نبود شفافیت را نمی‌توان متصور بود. مردمی که با ابهام مواجه‌اند نمی‌دانند نتیجه‌ی دادگاه چه خواهد شد. شفاف نبودن زبان قانون، ویرانگر است و منجر به بی‌اعتمادی مردم به قانون‌گذار می‌شود. همچنین سوء فهم قانون موجب تضییع حقوق فردی (عزیزی و مومنی، ۱۳۹۱: ۱۶۰) و نیز افزایش رفتارهای پُرخطر می‌شود. بنابراین، آنچه که آشکار می‌شود خطاهای قانون‌گذاری و بی‌اعتمادی به نظام تقنینی است که خود هزینه‌هایی را بر بدنه‌ی قانون‌گذاری و نظام حقوقی وارد می‌کند. در یک چشم‌انداز کلی، حتی می‌توان نقض حقوق شهروندی<sup>۴</sup> و تبعیض و بی‌عدالتی و کاهش امنیت عمومی<sup>۵</sup> را در نامفهومی زبان قانون متصور بود. در این پژوهش سعی بر ارائه‌ی راهکارهایی برای جلوگیری از نامفهومی زبان قانون داریم. برای تحقق این مهم لازم است بیشتر بر پیشگیری از بروز ابهام تمرکز کرد نه اینکه همواره در پی رفع ابهام بود، چرا که برخورداری از حق و اجرای آن در جامعه، به رهایی‌گفتار حقوقی از ابهامات زبانی و تفسیری (پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۱۳۴) بستگی دارد.

---

1. Vocabulary.

2. Anarchy.

3. Unpredictability.

4. Citizenship rights.

5. Public security.



## مفهوم‌شناسی و تاریخچه

اهمیت هر پژوهشی در گسترش دانش و حل مسئله‌هاست. واضح است که برای حل هر مسئله‌ای نیاز به راه‌حل‌هایی داریم. مسئله‌زمانی به وجود می‌آید، که مشکلی پیدا شود و آسیب‌هایی به جامعه وارد کند. مسئله‌ای که جامعه‌ی ما با آن درگیر است، بحران ابهام در زبان قانون است. این مسئله به طور کلی بر نظام حقوقی و نظام قانون‌گذاری اثر گذاشته و مشکلاتی را به وجود آورده است. زبان مبهم و نامفهوم قوانین، بر عدم درک عموم مردم از حق و حقوق خود تأثیرگذار است. در بسیاری از تعاریف، هدف حقوق و نظام حقوقی را تنظیم ارتباط میان مردم و احقاق حقوق آن‌ها آورده‌اند. اگر قوانین برای مردم نامفهوم باشند آن‌ها چگونه می‌توانند به حقوق خود دست یابند و جامعه به نظم برسد؟ فارغ از اینکه عامه‌ی مردم زبان قانون را نمی‌فهمند، حتی بیشتر تحصیلکرده‌های رشته‌های گوناگون هم از نافهمی این زبان رنج می‌برند. بر همین اساس، لازم است تمامی مفاهیم مورد نیاز شرح داده شوند، تا با فهم موارد کلی، به سمت تسهیل متن قوانین سوق داده شویم. در همین راستاست که کارل پوپر<sup>۱</sup> معتقد است «بدون هدایت نظری، تلاش‌های عملی کور و گمراه خواهد بود». مشخص شدن ارتباط میان زبان با قانون، مسئله‌ای مهم است که بخشی از این پژوهش را دربرمی‌گیرد. قانون جایگاه ویژه‌ای در جوامع و نزد شهروندان دارد. می‌دانیم که قانون قبل از هر چیزی با زبان و کلمات سروکار دارد. اگر زبان نباشد، نمی‌توان قانونی را وضع کرد. به عبارت دیگر، بدون یاری زبان، وضع

---

1. Karl Popper.

قانون غیرممکن است. بنابراین نحوه‌ی استفاده از زبان در نگارش و وضع قانون امر بسیار با اهمیتی است. همچنین از آنجا که روند به وجود آمدن قانون از طریق فرایند قانون‌گذاری می‌گذرد، باید مشخص شود که چه سازوکارهایی در قانون‌گذاری بر زبان و قانون اثرگذار خواهند بود.

## فلسفه و کارکرد قانون<sup>۱</sup>

در بسیاری از جوامع، قانون به ابزاری مهم برای پیشرفت در زندگی اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی ما تبدیل شده است. شغل، خانه، روابط، زندگی و مرگ ما، همه به واسطه‌ی قانون اداره، کنترل و هدایت می‌شوند (Wacks, 2008: 1-2). نمی‌توان جامعه‌ی مدرنی را بدون قانون تصور کرد. در تاریخ پُرفراز و نشیب ایران نیز، واژه‌ی «قانون»<sup>۲</sup> جنبش‌هایی را به راه انداخته است. تاریخ اندیشه‌ی سیاسی ایران، حول محور مفهوم قانون فهم می‌شود،<sup>۳</sup> به‌ویژه در دوران انقلاب مشروطه، قانون از قداستی خاص برخوردار بود، آن چنان‌که خواستاران مشروطه، رفع کاستی‌ها و مشکلات را در همین یک کلمه خلاصه می‌کردند. مفهوم قانون همواره با مفاهیم حق و عدالت در ذهن جلوه‌گر می‌شود. قانون، نظم را در جامعه به وجود می‌آورد. نظم‌دهی قانون موجب رخنه‌ی قانون‌گرایی<sup>۴</sup> در تاروپود زندگی انسان‌ها و پی بردن به اهمیت آن می‌شود؛ اگرچه بسیاری از حکومت‌ها در طول تاریخ قانون را برای اعمال حاکمیت در جهت سلب آزادی مردم استفاده کرده‌اند و به نوعی، قانون در جهت تحکیم قدرت به کار رفته است. در دورانی، قانون برای جلوگیری از رفتارهای ناعادلانه بوده است. عدالت نیز به معنای آن بود که همه برابر باشند و امتیازات و احکام خاص برای گروه‌ها و افراد خاص وجود نداشته باشد. اما به مرور، مجلس نمایندگان، وضع هر قانونی را برای بازگذاشتن دست بالاترین مقام حکومتی و

۱. در این پژوهش قانون در معنای موسع خود به کار رفته است و قوانین و آیین‌نامه و بخشنامه و... را دربرمی‌گیرد.

2. Law

۳. رک: داود فیرحی، تقریر مباحث تاریخ اندیشه‌ی ایران.

4. Legalism.

رسیدن به نتایج خاص مورد نظر انجام می‌داد. براین اساس، آن زمان، «دولت<sup>۱</sup> تبدیل به مهم‌ترین مشغله‌ی مجالس قانون‌گذاری شده بود و قانون‌گذاری فرع آن» و حکومت تحت لوای قانون پایان یافت. در آن مجالس، معنای قانون تغییر یافت و کارکرد قانون‌گذاری استمرار حکومت خودکامه بود (هایک، ۱۳۹۳: ۱۴۴-۱۴۳). اما این پیشینه‌ها، از اهمیت وجود قانون در جامعه نمی‌کاهند. قانون همواره حقوق برابر را نهادینه می‌کند. شهروندان به یمن وجود قانون، حیات و دارایی خود را در امنیت احساس می‌کنند و از تبعیض‌ها بی‌زاری می‌جویند. نابرابری در مقابل قانون همان خودکامگی است (هایک، ۱۳۹۳: ۱۴۶). اگر ساختارها و نهادها قانون‌مند شوند، بی‌گمان رفاه و عدالت به وجود خواهند آمد. بسیاری از تغییرات و تحولات جامعه با وضع قوانین به سرانجام رسیده‌اند. سیسرون دولت بدون قانون را همانند انسان بدون ذهن تصور کرده است (کلی، ۱۳۹۸: ۱۲۴). این موارد به تمامی بستگی به هدف قانون در یک کشور دارند. باید فهمید که کشورها فلسفه‌ی وجودی و هدف قانون را بر چه اساسی قرار داده‌اند؛ در جهت زور و ارعاب یا در جهت خیر و آسایش و عدالت؟ اگر دولتی تابع قانون باشد، نشان‌گران است که نفع عمومی را لحاظ می‌کند. پس لازم است نخست به سؤالاتی پاسخ داده شود: فلسفه‌ی قانون چیست؟ چرا جامعه به قانون نیاز دارد؟ ویژگی‌های قانون کدام‌اند؟ آیا قانون باید از کارایی و کیفیت برخوردار باشد؟

### چیستی (فلسفه‌ی) قانون

در مورد مفهوم قانون، اختلاف نظرها و تعاریف مختلفی مطرح شده است. اما این موارد دلیلی بر آن نیستند که به چیستی قانون نپردازیم. اندیشمندان بسیاری به فلسفه و چیستی قانون پرداخته‌اند و تعاریف و تفاسیر بسیاری را در مفهوم قانون ارائه کرده‌اند. پس معلوم می‌شود که مفهوم قانون «مفهومی نظری و اختلافی است» (راسخ، ۱۳۸۴: ۱۲). چیستی قانون را باید در فلسفه‌ی حقوق<sup>۲</sup> پیگیری کرد.

1. State.

2. Jurisprudence.

فلسفه‌ی حقوق با چیستی و ماهیت مفاهیم سروکار دارد. فلسفه‌ی قانون نه تنها جزئی از فلسفه، بلکه جزئی از علم حقوق است. فلسفه‌ی قانون در پی شناختی فلسفی از قانون است؛ امری که با برداشت جامع از شناخت‌های جزئی از قانون، اعم از شناخت دگماتیستی، تاریخی، روان‌شناختی و ... واقع می‌شود (درفردتن، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۶).

از قانون به عنوان معیاری برای رفتار درست انسان‌ها یاد می‌شود که باید رفتارها را باثبات<sup>۱</sup> و پیش‌بینی‌پذیر<sup>۲</sup> کند و ضامن نظم و عدالت باشد. بنا به تعاریف متعدد، قانون دستوری کلی است که توسط مرجع صالح انشا شده و به وسیله‌ی مجالس قانون‌گذاری تصویب می‌شود. به دیگر سخن، قانون قاعده‌ی حقوقی عام یا خاص است که به وسیله‌ی قوه‌ی مقننه<sup>۳</sup> وضع می‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۴: ۵۱۷). حقوق بشر، قانون را مظهر اراده‌ی عمومی می‌داند که توسط اکثریت نمایندگان مردم وضع می‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۹: ۵۴۷). اساسی قانون، اراده‌ی عمومی<sup>۴</sup> است و الزام‌آور بودن آن به این شرط است که دولتی<sup>۵</sup> آن را امضا کرده باشد (وکیلان، ۱۳۹۰: ۵). طبق یک تعریف کلی، قانون قاعده‌ای آمرانه از رفتار اجتماعی است که با پشتوانه‌ی قدرت‌های قانونی تأیید و اعمال می‌شود (وستبروک، ۱۳۹۳: ۳۱).

در طول تاریخ، اهداف قانون از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و از اندیشمندی به اندیشمندی دیگر متفاوت بوده است. بعضی متفکران معتقدند که قانون حتی قبل از اندیشه‌ی ایجاد قانون و قانون‌گذاری<sup>۶</sup> وجود داشته است (هایک، ۱۳۸۰: ۱۲۰). از نظر سیسرون<sup>۷</sup> «قانون، بزرگ‌ترین دستاورد ذهن عقلانی انسان» (تبیست، ۱۳۸۶: ۳۳) است. بسیاری از متفکران، قانون را محصول اراده‌ی آگاهانه‌ی انسان دانسته‌اند.

1. Constant.

2. Predictable.

3. Legislature.

4. General will.

5. Etat.

6. Legislation.

7. Cicero.